

فرخنده باد جشن اول ماه مه

ار شماراست. معذرت اتحاد کارگران سراسرجهان علی رغم همه این نخبه‌ها رشد می یابد و تحکیم می پذیرد. کارگران بیشتر در احزاب سوسیالیستی متحد میشوند، تعداد عوادران احزاب سوسیالیست به میلیون ها نفر میرسد، و آنها در هر قدم به پیروزی کامل بر طبقه سرمایه داران استثمارگر نزدیک تر میگردند.

اینک قطعه دیگر از استالین

بناسبت اول ماه مه

"از قرن گذشته، کارگران کیه کشورها تصمیم گرفتند که همه ساله این روز را روز اول ماه مه جشن بگیرند. این تصمیم در ۱۸۸۹ در کنفرانس سوسیالیست های کیه کشورها در پاریس اتخاذ شد. در چنین روزی، در روز اول ماه مه که طبیعت از خواب زمستانی بیدار می شود، کوه جنگل سرسبز میشود، مرغزار و چمن بگل می نشینند، آفتاب گرمی بیشتر می بخشد، نشاط و جوانی در فضا حس میشود، طبیعت جان میگیرد و شادابی می یابد، درست در چنین روزی آنها تصمیم گرفتند آشکارا و پسا بانک رسا به سراسر کیتی اعلام دارند که کارگران آورنده بهار بشریت اند، گسلنده زنجیر سرمایه داری اند، رسالت دارند که جهانی نوین بر بنیاد آزادی و سوسیالیسم بیاورند..."

استالین

ماند بجنس از تراکتور اول ماه مه ۱۹۰۴ را که بقلم آموزگار بسزنگ زحمتکشان جهان لنین نگاشته شده و نشانه عزیمی آهنین در رهائی زحمتکشان و امید بیگانه به پیروزی آنهاست زینت بخش این شماره توفان میگردانیم

رفقای کارگر!

روز اول ماه مه فرا میرسد، روزی که کارگران همه کشورها فراسیدن زندگی آگاهانه خویش را جشن میگیرند، اتحاد خویش را در مبارزه با هر نوع زورکوشی و ستمگری انسانی برانسان دیگر، در مبارزه بخاطر رهائی میلیون ها زحمتکش از کسب و بیگانه و ستمدیدی جشن میگیرند. در این مبارزه مشترک، دو جهان در برابر هم ایستاده است: جهان سرمایه و جهان کارگر، جهان بهره کشی و بردگی، جهان برادری و برابری.

در یک سو مستی از توانگران تن آسان که کارگاهها و کارخانه ها، افزارهای نارواستین ما را در جنگال خویش گرفته اند، میلیون ها هکتار زمین و کوههایی از پول را به مالکیت خصوصی خود در آورده اند، دولت وارثرا بخدمت خویش گماشته و پادشاهان شروت انباشته خویش ساخته اند.

در سوی دیگر میلیون هاتن از محرومان که باید از توانگران انتماس کار داشته باشند، با کار خودشان سازنده همه شروت ها هستند ولی در سراسر عمر بخاطر لطفهای نان رنج میبرند و چنان در جستجوی کار اند که کوشی در تمامی صدقه اند، نیرو و تندرستی خود را در زحمات طاقت فرسا از دست میدهند و در بیفوله های دهات و دخمه ها و خرابه های شهرهای بزرگ گرسنگی میشوند.

اکنون این محرومان و زحمتکشان به توانگران و بهره کشان اعلان جنگ داده اند. کارگران همه کشورها بخاطر رهائی کار از بردگی مزدوری، از تسبیستی و از نیازمندی در ریکاراند، بخاطر آنگنان نظام اجتماعی در ریکاراند که در آن شروتی کباب زحمت همگانی بدست آمده است بسود همه زحمتکشان بکار افتد نمسود مستی توانگران. مطالبه آنها اینست که زمین، کارگاه، کارخانه و ماشین بمالکیت عمومی همه زحمتکشان در آید. حواس آنها اینست که نتوانند بمانند و نه تسبیست، نه زحمت بکسو برسد که زحمت میشود. هر دست آورد بشریت، هر پیوستگی که در کار حاصل میشود موجب بهبود زندگی کسانی گردد که در کار میشوند. اینک بصورت افزار اسارت زحمتکشان در آید.

مبارزه عظیم کار بر ضد سرمایه بقیت جان با ختن میلیون ها کارگر از کیه کشورها تمام شده است. آنها در دفاع از این حق که زندگی بهترو آزادی واقعه داشته باشند خون های بسیار ریختند. نخبهاتی که دولت ها بر سارازان راه کارگر وارد می آورند بیرون

افتخار جاویدان بولنین کبیر

پولناریا و خلق های سراسرجهان صدمین سال ولادت لنین، آموزگار و رهبر داهی خویش را جشن میگیرند. بزرگترین چرخش تاریخ، یعنی گذار بشر به جامعه سوسیالیستی با نام لنین همراه است. لنین "نابعه انفجارهای انقلاب و بزرگترین استاد رهبری انقلابی بود" (استالین) لنین بود که رنگار ایونیسم را از نهضت جهانی کمونیستی زد و حزب کمونیست شوروی را بخانه نخستین حزب طراز نوین طبقه کارگر، در زمینه تئوریک و سیاسی و سازمانی، بر سنگ خارا بنیاد نهاده مارکسیسم عصر امپریالیسم را با نوع خویش ابداع کرد، انقلاب سوسیالیستی را در یک ششم کره زمین به پیروزی رسانید و نخستین دیکتاتوری پولناریا را براریکه قدرت نشاند، انترناسیونال سوم، انترناسیونال بیکارجوی انقلابی پرلتری را بوجود آورد. یاد کرد لنین بمعنای الهام گرفتن از او، پیروی از وصایای او و تجدید عهد با اوست.

رویزونیست ها و در رأس آنها رویزونیست های شوروی نیز سده میلاد لنین را جشن میگیرند تا از نام لنین یوشی برای ماهیت فرد لنینی خویش بسازند. مؤتدانی که حزب کمونیست شوروی را به حزب بزرگترین بوزروائی، دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بوزروائی نوحاسته شوروی و دولت سوسیالیستی را بدولت سوسیال امپریالیستی، مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع و همکاری با امپریالیسم امریکا و دوستی با دشمنان خلق بدل دادند، تبیهگاری که حاصل ده هاسال قهرمانی و جانبازی خلق کبیر شوروی را بر باد داده و پرچم پرافتخار لنین و استالین را بر خاک افکنده اند اینک میخواهند با امکانات مادی بشمار خویش سه روئی خود را با نام لنین رنگ آمیزی کنند. لنین در ۱۹۰۸ میگفت: "دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وارمی نماید که بپلاس مارکسیست در آید". امروز این دیالکتیک تاریخ بظرف اولی در مورد مارکسیسم - لنینیسم در همه جا و بویژه در سرزد رویزونیست های شوروی صادق است. زیرا که آنها بدون چنین ریاکاری به حفظ قدرت موقت خویش قادر نخواهند بود.

بر خلاف استدلال ظاهری و دروغین رویزونیست ها، میراث دار لنین پولناریا، خلق ها و انقلابیون جهان اند نه آنها که مانند ماربر سرکج نشسته اند.

وفاداری به لنین بمعنای وفاداری به مارکس و انگلس است ازیک سو و به استالین و مائوسه دون از سوی دیگر. وفاداری به لنین بمعنای پافتاری در بنیاد گذاری و حفظ و تحکیم حزب طراز نوین طبقه کارگر، تامین اتحاد این طبقه با سایر طبقات زحمتکش و تامین رهبری آن، در اتخاذ راه قهرآمیز مبارزه، در اعتقاد به لزوم درهم شکستن ماشین دولتی کهن و استقرار و تقویت دیکتاتوری پولناریا، در قبول لزوم ادامه انقلاب در دوران دیکتاتوری پولناریا، در پشتیبانی همه جانبه از بیکار های ضد امپریالیستی منطقه توفان ها، در اجرای بیخودش، انترناسیونالیسم پرلتری است.

افتخار جاویدان بر لنین کبیر، آموزگار و رهبر داهی زحمتکشان جهان، بپرافراشته باد درفش ظفر نمون مارکس، انگلس و لنین، استالین و مائوسه دون.

رهنمود تعلیماتی

کلیه حوزه های سازمان موظف اند: جلسه یا جلساتی را به یاد کرد صدمین سال میلاد لنین کبیر اختصاص دهند، سه رساله از آثار کارنیهای او را که بوسیله سازمان ما انتشار یافته است و همچنین مقالات شماره ۳ مخصوص روزنامه توفان را بویژه در ارتباط با مسائل سیاسی واید تئوریک کونی بیحد بگذازند

درباره قهر انقلابی

"... زمان پولناریا در مقابل این عمل (یعنی نظامی کردن شوون زندگی از طرف امپریالیسم - توفان) چه خواهند کرد؟؟ آیا فقط به برجنگی و هر چیزی که بجنک مربوط است لعنت خواهند فرستاد و فقط مطالبه خلع سلاح خواهند نمود؟ زنان طبقه ستمکش که طبقه واقعا انقلابی است هرگز بچنین نقش نشکینی تن نخواهند داد. آنها به فرزندان خود خواهند گفت: "تویزوی بزرگ خواهی شد. بتو اسلحه خواهند داد. بگیر و عطیات نظامی را بخوبی بیاموز. این علم برک پولناریا ضروری است. اما برای اینکه نظیر جنک کونی (جنک اول جهانی - توفان) و طبق نصاحی که خائنین سوسیالیسم بتو میکنند آن را بر ضد برادران خود یعنی کارگران سایر کشورها بگاری بلکه برای آنکه بر ضد بوزروائی کشور خود مبارزه کنی و با ستشار و فقر و جنک، نه از طریق تمایلات حسنه بلکه از طریق پیروزی بوزروازی و خلع سلاح آن، خاتمه دهی."

لنین

حملات مسلحانه کلچاک و دیکین، مداخله مسلحانه انگلیس و فرانسه، دروغ و افترای مطبوعات یک سرو صد زبان بوزروازی، تمام این کردمهای مودی در خلال یک ربع قرن لاینقطع بر سر حزب ما میرخندند. ولی حزب ما همچون صخره های برجای ایستاده ضربات بشمار دشمنان را دفع و طبقه کارگر را جلوه بسوی پیروزی میرسد. وحدت و هم پیوستگی صفوف خود را از حزب ما در نبرد های شدید آب داد و مستحکم نموده است. یا بیگانگی و هم پیوستگی است که حزب بر دشمنان طبقه کارگر غالب آمد.

هنگامیه رفیق لنین ما را ترک میگرد بما وصیت کرد که بیگانگی حزب را مانند مردمک چشم حفظ کنیم. سوگند یاد میکنیم بتو رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرف انجام خواهیم داد! ...

طبقه کارگر سرنوشت سخت و تحمل ناپذیری دارد. مصائب رنجبران دردناک و طاقت فرساست. بر دکان برده داران، سرفها و سرفداران، دهقانان و ملاکان، کارگران و سرمایه داران، ستمکشان و ستمگران، بنای جهان از قرنهای پیش بدین وضع بوده و بدین وضع هم اکنون در اشریت قاطع شوها باقی مانده است. رنجبران در خلال قرنهای دهها و صد ها بار تلاش کرده اند تا پشت خود را از زیر فشار ستمگران خلاص نموده و صاحب اختیار وضع خویش گردند. ولی همواره ضلوع و بدنامی مجبور به عقب نشینی شده اند در حالی که رنج خواهی و ذلت و کین و حسرت را در دل خود جای داده، دیده و آسمان نامعلومی که امیدوار بودند بقیصر صفحه ه

سوگند به لنین

نطق استالین پس از مرگ لنین در دومین کنفرانس سورا های گل اتحاد شوروی در ۲۶ ژانویه ۱۹۲۴

رفقا! ما کمونیستها مردمی از سرشت ویزه ایم. ما از مصالح خاصی برش یافته ایم. کسانی هستیم که سیاه سردار بزرگ پولناریا، سیاه رفیق لنین را تشکیل میدهم. هیچ افتخار بالاتر از تعلق باین سیاه نیست. هیچ افتخاری بالاتر از داشتن نام عصویت حزبیه بنیاد گذار و رهبر آن رفیق لنین است نمیباشد همه کس لیاقت عضویت چنین حزبی را ندارد. همه کس راناب تحمل مصائب و طوفانهای مربوط به عضویت این حزب نیست. فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیازمندان، فرزندان حرمانهای بی پایان و مساعی قهرمانانه - اینها هستند آن کسانی که مقدم بر همه باید اعضای چنین حزبی باشند. باین علت است که حزب لنینیستها، حزب کمونیستها در عین حال حزب طبقه کارگر نامیده میشود.

هنگامیه رفیق لنین ما را ترک میگرد بما وصیت کرد که نام بزرگ عضویت حزب را بلند و پاکیزه نگاه داریم. سوگند یاد میکنیم بتو رفیق لنین، که ما این وصیت تو را با شرافت انجام خواهیم داد! ...

۲۵ سال تمام رفیق لنین از حزب ما پرستاری کرد و آنرا محکم ترین و آبدیده ترین حزب کارگری دنیا بپار آورد. ضربات تراریسم و دزدیمان وی، سبعیت بوزروازی و ملاکان،

درود پر شور به طبقه کارگر مبارز ایران

نظری به گنجینه لنینی

تلخیص مصاحبه استالین با هیئت نمایندگی کارگران امریکائی در ۹ سپتامبر ۱۹۲۷
پرسش بیم - چه اصول جدیدی بتوسط لنین و حزب کمونیست عملاً به مارکسیسم اضافه گردید؟ ...
پاسخ - ... لنین با بسط و تکمیل آموزش مارکس و روشرا جدیدی مبارزه طبقاتی، چیز تازه ای نسبت آنچه که توسط مارکس و انگلس داده شده بود و نسبت آنچه که ممکن بود در دوره سرمایه داری ماقبل امپریالیسم داده شود به گنجینه مارکسیسم وارد کرد، در حالی که این چیز تازه ای که بتوسط لنین به گنجینه مارکسیسم وارد شده است کاملاً و تماماً مبتنی برادبی است که بتوسط مارکس و انگلس بیان شده است. از همین لحاظ هم هست که ما میکوشیم لنینیسم مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب های پرلناریائی است. اینک مسائلی چند که لنین ضمن بسط و تکمیل آموزش مارکس در رشته آنها چیزهای تازه ای آورد داشته است:
اولاً مسئله سرمایه داری انحصاری و مسئله امپریالیسم که در حله جدید سرمایه داری است. مارکس و انگلس در کتابشان اصول سرمایه داری را تشریح کرده اند. ولی مارکس و انگلس در دوره سیادت سرمایه داری ماقبل انحصار، در دوره تکامل تدریجی و موزون سرمایه داری و بسط "مسئله آمیز" آن در سراسر کره زمین، زندگی میکردند. این مرحله قدیمی در حدود اواخر سده نوزدهم و آغاز قرن بیستم، هنگامی که مارکس و انگلس دیگر حیات نداشتند بیان رسیده ... خدمت لنین و بنابراین آن چیز تازه ای که لنین در این مورد آورده است عبارتست از اینست که او با انتقاد اصول اساسی "کاپیتال" امپریالیسم را بنسبیه آخرین مرحله سرمایه داری مورد تجزیه و تحلیل مارکسیستی قرار داد و جراحات و شرایط فنی حتمی آنرا تشریح نمود. بر اساس این تجزیه و تحلیل بود که اصل مشهور لنین درباره اینکه در شرایط امپریالیسم پیروزی سوسیالیسم در کشورهای واحد و جداگانه سرمایه داری امکان پذیر است وجود آمد.

نویسن ") را که بنگام آن پرلناریا، با در دست داشتن مواضع مسلط در رشته های حیاتی (صنایع، زمین، حمل و نقل، بانک و غیره)، صنایع سوسیالیستی شده را با کشاورزی پیوند میدهد (" پیوند صنعت با اقتصاد دهقانی ") و بدین طریق تمام اقتصاد ملی را بجانب سوسیالیسم هدایت میکند. طرح نمود . ج - او طرق مشخص - سوق تدریجی و انداختن توده های اصلی دهقانان به مجرای ساختمان سوسیالیستی را از طریق گئوراسیون که بزرگ ترین وسیله ای است که دیکتاتوری پرلناریا میتواند بنگام آن اقتصاد کوچک دهقانی را تغییر سازد مان داده و توده های اصلی دهقانان را با روح سوسیالیسم تربیت نماید، طرح نمود .

رابعاً - مسئله سلطه پرلناریا در انقلاب است، در هر نوع انقلاب توده ای خواه در انقلاب علیه تزاریسیم و خواه در انقلاب علیه سرمایه داری . مارکس و انگلس شرح های اساسی نظریه سلطه پرلناریا را بدست داده بودند . چیز تازه ای که لنین در این مورد آورده است که این شرح های اولیه را با هم گسترش و بسط داد و آن را به سیستم موزون سلطه پرلناریا، به سیستم موزون رهبری پرلناریا بر توده های زحمتکش شهر و ده که نه فقط در امر سرنگونی تزاریسیم و سرمایه داری بلکه در امر ساختمان سوسیالیستی هنگام دیکتاتوری پرلناریا نیز وجود خواهد داشت بدل نمود . بطوری که میدانیم نظریه سلطه پرلناریا از پرتو لنین و حزب او بطور استوارانه ای در روسیه جا به عمل بخود پیونید . ضمناً این واقعیت که انقلاب در روسیه پرلناریا را بحکومت رساند از اینجانبانی میشود . در سابق معمولاً کاربرد بین موال بود که کارگران هنگام انقلاب در سنگرها زد و خورد میکردند، خون میریختند، رژیم قدیم را سرنگون میساختند، لیکن حکومت بدست بورژواهای افتاد و آنان بعداً کارگران را مورد ظلم و استعمار قرار میدادند . در انگلستان و فرانسه وضع از این قرار بود . در آلمان وضع از این قرار بود . ولی در اینجا یعنی در روسیه وضعیت صورت دیگری بخود گرفت . در اینجا کارگران فقط پیرو ضربه انقلاب نبودند . پرلناریای روسیه در عین حال که نیروی ضربه انقلاب بود، میکوشید که صاحب سلطه و رهبر سیاسی تمام توده های استثمارشونده شهر و ده باشد و آنان را گرد خود جمع نموده و پیوند آنان را با سوزواری قطع و بورژوازی را از لحاظ سیاسی منقرض سازد . پرلناریای روسیه در عین اینکه به توده های استثمارشونده مسلط بود، همیشه مبارزه میگرد تا حکومت را بدست خود بگیرد و آن را برای مافع خود غیبه بورژوازی، علیه سرمایه داری مورد استفاده قرار دهد . به همین دلیل هم هست که هر جنبش نیرومند انقلابی در روسیه چه در اکتبر سال ۱۹۰۵ و چه در فوریه ۱۹۱۷، شورای نمایندگان کارگران را که نطفه دستگاه جدید حکومت و مامور سرکوبی بورژوازی میباشند وارد صحنه نمود

خامساً - مسئله ملی و مستعمراتی . مارکس و انگلس که در موقع خود وقایع ایرلند، هند، چین، کشورهای اروپای مرکزی، لهستان و هنگری را تجزیه و تحلیل کرده بودند، نظریات اصولی و بدوی را در مورد مسئله ملی و مستعمراتی بدست دادند . انکاء لنین در آثارش باین نظریات بود . چیز تازه ای که لنین در این مبحث آورده است عبارتست از اینست که الف - او این نظریات را در یک سیستم موزونی مشتمل بر نظریه های مربوط به انقلاب های ملی و مستعمراتی در عصر امپریالیسم جمع کرد . ب - مسئله ملی و مستعمراتی را با مسئله واژگون ساختن امپریالیسم مرتبط ساخت . ج - مسئله ملی و مستعمراتی را جزئی از مسئله عمومی انقلاب جهانی پرلناریا اعلام نمود . سرانجام مسئله مربوط به حزب پرلناریا . مارکس و انگلس شرح های اولیه را درباره حزب بدست دادند و آن را بنسبیه دسته پیش آهنگ پرلناریا که بدون آن (بدون حزب) پرلناریا نه از لحاظ بدست آوردن قدرت و نه از لحاظ تغییر ساختمان جامعه سرمایه داری نمیتواند به آزادی و استقلال خود نائل گردد، تشریح نمودند . چیز تازه ای که لنین در این زمینه آورد، است عبارتست از اینکه این طرح های اولیه را مطابق با شرایط جدید مبارزه پرلناریا در دوره امپریالیسم بسط و تکامل

داده نشان داد که : الف - حزب نسبت به شکل های دیکتاتوری تشکیلات پرلناریا (اتحادیه ها، گئوراسیون ها و سازمان های دولتی) که در تعمیم و هدایت آنها بعهده وی واگذار شده است عالی ترین شکل تشکیلات طبقاتی پرلناریاست . ب - دیکتاتوری پرلناریا فقط از طریق حزب که بنسبیه نیروی رهنمون آن میباشد میتواند عملی گردد . ج - دیکتاتوری پرلناریا فقط در موردی میتواند کامل باشد که آن را یک حزب و آن هم حزب کمونیست ها رهبری نماید که سایر احزاب را در رهبری شرکت نمیدهد و نمیتواند بدهد . د - بدون یک انضباط آهنین در حزب ممکن نیست وظائف دیکتاتوری پرلناریا در سر - کوبی استثمارکنندگان و تغییر ساختمان جامعه طبقاتی بجامه سوسیالیستی عملی گردد . اینست آن چیز تازه ای که لنین ضمن تصریح و بسط و تکامل آتی آموزش مارکس، مطابق با شرایط جدید مبارزه پرلناریا در دوره امپریالیسم، در آثار خود آورده است .

لنین و جنک . . . بقیه از صفحه ۶ در جای دیگر میاموزد:

" لازم است بویژه از جنبش دهقانی در کشورهای عقب افتاده علیه مالکان ارضی، علیه زمین داران بزرگ، علیه تمام مظاهر و بقایای فئودالیسم پشتیبانی کرد و کوشید به جنبش دهقانی انقلابی ترین خصلت را بخشید . . . " (تکیه بر روی گماتازما است - توفان) (لنین : طرح اولیه تزه های مربوط به مسائل ملی و مستعمراتی در اینجا لنین بر روشنی میاموزد که کونیست های شورونگنا حاور وظیفه دارند مارکسیسم - لنینیسم را در شرایطی که اکثریت شکننده کشور از دهقانان تشکیل میشود بخاطر برانداختن فئودالیسم و امپریالیسم انطباق دهند، به جنبش های دهقانی " انقلابی ترین خصلت " را بدهند .

آیا از این آموزش لنین، " قیام مسلح " در شرایط وضع انقلابی " بیرون میاید؟ آیا این آموزش به این معنی نیست که باید اکثریت اهالی کشور یعنی دهقانان را برای جنک انقلابی علیه بقایای فئودالیسم و امپریالیسم تجهیز کرد؟ لنین پس از آنکه کونیست ها را موعظه میدارد که دهقانان را علیه بقایای فئودالیسم به جنبش برانگیزند و به ایستادگی جنبش انقلابی ترین خصلت را بدهند اهمیت تجربه ارتش سرخ را در جریان جنک داخلی در آسیا و سبیری گوشزد میکند . به گفته پرمعنای لنین توجه کنید:

" من فکر میکنم که آنچه ارتش سرخ انجام داده، مبارزه آن تاریخ پیروزی آن برای تمام خلق های حاور دارای اهمیت عظیم جهانی است زیرا که به خلق های حاور زمین نشان میدهد که هراندازه این کشورها ضعیف باشند، هر چه اندازه قدرت مستمرکان اروپائی که در مبارزه تمام معجزات تکنیک و فنون جنگی را بکار میبرند غلبه ناپذیر بنظر آید معذک جنگ انقلابی که خلق های اسیر در دست میزنند، اگر این جنگ بتواند واقعا سونپناز حمتکش و استثمارشونده را بیدار کند، آنچنان امکاناتی، آنچنان معجزاتی در خود نهفته دارد که آزادی خلق های حاور از هم اکنون از لحاظ عملی کاملاً تحقق پذیر است، تحقق پذیر است نه فقط از نقطه نظر دورنمای انقلاب جهانی، بلکه از نقطه نظر تجربه نظامی مستقیمی که در آسیا و سبیری بدست آمده است، تجربه جمهوری شوروی که از طرف کلیه کشورهای نیرومند امپریالیسم مورد تهاجم نظامی قرار گرفت " (تکیه بر روی گماتازما است - توفان) (لنین : از همان سخنرانی)

جنگ انقلابی ملی که در کشور ها هم حاور زمین و از آن جمله کشور ما " ناکزیر، شرقی و انقلابی " است، جنک انقلابی که برای پیروزی آن شرکت توده های وسیع مردم این کشورها ضروری است، جنک انقلابی که باید نیروی عمده آن را دهقانان تشکیل دهند و آماج آن بقایای نظام قرون وسطائی و امپریالیسم است، جنک انقلابی که علی رعم نیرو و توانائی عظیم امپریالیسم و ارتجاع عظیم پیر و زمند آن نه تنها از لحاظ دورنمای تاریخی بلکه از لحاظ عملی کاملاً تحقق پذیر است، جنک انقلابی که میتواند و باید از تجربه نیروهای قهرمانانه ارتش سرخ علیه مداخله کران داخلی و خارجی بیاموزد، اینها است آنچه بقیه در صفحه ۵

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

پیروزی خلق کرد در عراق

پیروزی خلق کرد در عراق پس از نه سال نبرد خونین نمیتواند مایه مروت و خشنودی هراسان آزاد یخواهی نباشد. حله کردنستان از زمان جنگ دوم جهانی دویار برای احقاق حقوق ملی خویش به قیام برخاسته است. قیام نخستین در سال ۱۳۲۴ در ایران صورت گرفت که بر اثر آن خلق کرد در کشور ما توانست مدت کوتاهی از حقوق ملی خویش بهره مند گردد. اما این موفقیت دیری نپایید و هجوم شاه و ارتجاع ایران با پشتیبانی امپریالیسم امریکا وانگلیستان به آن پایان بخشید. قدرتی که بر اثر قیام خلق کرد در کردستان ایران پدید آمد از آنجا که پایه محکمی نداشت و برای حفظ و نگهداری خویش تدابیری جدی اتخاذ نکرد و بویژه بعثت اوضاع و احوال نامساعد بین المللی در برابر هجوم دولت مرکزی تاب مقاومت نیاورد و خلق کرد هر آنچه را که بدست آورد به دست آورد. قیام دوم در کشور عراق آغاز گردید، مدت نه سال پس از استقامت و جانبازی دنبال شد و به پیروزی انجامید. ثمره آن موافقت نامه ای است مبتنی بر خود مختاری ملی خلق کرد در چهارچوب جمهوری عراق که اخیراً با ماضی دولت عراق رسید. بموجب موافقت نامه مذکور خلق کرد بشابه ملتی در درون کشور عراق همایه ملت عرب بر رسمیت شناخته شده است، زبان کردی بشابه یکی از دو زبان رسمی در تمام مدارس تدریس خواهد شد، دانشگاهی در شهر سلیمانیه پدید خواهد آمد، یک نشریه هفتگی، یک مجله، یک گپ بزبان کردی انتشار خواهد یافت، یک ایستگاه تلویزیون برنازه بزبان کردی پخش خواهد کرد، عید ملی خلق کرد بر رسمیت شناخته میشود، درهای نامشکلی دولتی بر روی افراد کرد باز خواهد گشت، مقام نیابت ریاست جمهوری کشور به خلق کرد تعلق خواهد داشت، خلق کرد به نسبت جمعیت نمایندگانی به مجلس عراق خواهد فرستاد و غیره و غیره.

این پیروزی خلق کرد بدست نیامد مگر در سایه مبارزه مسلح و مداومت و پایداری در این مبارزه، البته در یکی دو سال اخیر عوامل مساعد دیگری نیز پیروزی وی را تسریع کرد ولی در این میان آنچه که عمده است و آنچه که امکان داد عوامل مساعد تاثیر خود را ببخشند همان استقامت در نبرد مسلح بخاطر گرفتن حقوق ملی است. حفظ و دوام و استحکام این دستاورد نیز فقط با نیروی اسلحه میسر است. درست است که این دستاورد خلق کرد در قانون اساسی جمهوری عراق ثبت میشود و بدین طریق تحکیم میگردد ولی نیروهای ارتجاعی به قانون اساسی ولو آنکه خود مدون و موسس آن باشند همیشه بشابه ورق پاره ای مینگردند که هر موقع ضرورت پیش آید میشوای در آن تغییراتی وارد آورد. نمونه قانون اساسی ایران برای اثبات این مدعی کافی است. اما هرگاه خلق کرد هوشیاری را از دست ندهد و پیوسته آماده باشد از دستبرد به حقوق ملی خویش با زور اسلحه دفاع کند بدون شك هیچ نیرویی نخواهد توانست آنچه را که وی با دادن قربانیهای بسیار بدست آورد، از او بریابد.

پیروزی خلق کرد یکبار دیگر این حقیقت را آشکارا نشان میدهد که فقط با جنگ توده ای میتوان حقوق پامال شده خود را بچنگ آورد. این حقیقتی است که امروز همه عناصر رانقلابی آنرا دریافته اند. اما روزی نیستی های آرام و آزار از دست گرفتن سلاح و مبارزه مسلح وحشت دارند. شاه ایران هر ساله مردمی برای گرفتن حقیقی بیا میخیزند و دست به تظاهرات میزنند با رگبار مسلسل آنها را بر زمین میریزد، چنانچه در ننگ هرات اخیر تهران با زهم تعدادی جوان دانشجوی قربانی جنايات رژیم خون آشام گردیدند. اما عوادلان راه مسالمت آمیز برآندند که گوسفند وار در برابر نیروهای شاه قربانی شدن نشانه انقذبی بودن است. اما رگبار مسلسل شاه را با رگباری از گلوله پاسخ گفتن "اوانتوریسم" است و "چپروی" است. بیپوده نیست که رادیوی پیک ایران که در ستایش از پیروزی خلق کرد دارد سخن میدهد، عده ای این حقیقت را بدست فراموشی میسپارند

که این پیروزی ثمره جانبازی قهرمانانی است که نه سال تمام جنگیدند، خونیهای قهرمانانی است که در میدان جنگ بحدک هلاک افتاده اند.

از این محشره تلکراف سردمداران "راه مسالمت آمیز" کاسیکین و پارگورنی به دولت عراق است. این آقایان رئیس دولت عراق را تهنیت میکنند برای آنچه مسئله کرد را از راه "مسالمت آمیز" حل کرده است: "حل مسالمت آمیز مسئله کرد در عراق اعتبار بین المللی جمهوری عراق و دولت آنرا بسا لا میرد". نه سال جنگ خونین خلق کرد برای بکری نشانند در حقوق ملی خویش، اینست آنچه که جانشینان تسزاور "حل مسالمت آمیز" مسئله کرد میمانند. این آقایان بجای آنکه خلق کرد را بخاطر استقامت و پایداری ستایش کنند و خلق های دیگر را به پیروی از این نمونه فرا خوانند، رئیس دولت عراق را به خاطر "حل مسالمت آمیز مسئله کرد" تهنیت میکنند. براین منوال باید انتظار داشت که زمامداران شوروی روزی دولت امریکا را بمسالت "حل مسالمت آمیز مسئله ویتنام" مورد ستایش قرار دهند!

برخورد دولت ایران به پیروزی خلق کرد در عراق نمونه ای از دورویی و بیشرمی است، دوستی که بنا بر اعطای نمایندگی

دولت عراق و حزب دولوات کردستان عراق بمنظور بدل و کسری از امضا موافقت نامه خود مختاری خلق کرد در کودتای ارتجاعی ناکام عراق دست داشت، دولتی که در سراسر سرزمین خود آزادی را به بند کشیده و حقوق فردی، ملی خلق هارا بشدت تمام زیر پا میکشد نمیتواند هوادار آزادی و احترام بمحقوق خلق های دیگر باشد. دولتی که هیچگونه حقی برای خلق کرد (و خلق های دیگر ایران) قائل نیست و مبارزان قهرمان کرد را بخاطر آنکه برای احقاق حقوق خویش پیاخته اند بقسلسل میرساند و وحشیگری رانا آن درجه بالا میرسد که اجساد آنها را برای "عبرت" دیگران شهر بشهر میکردند نمیتواند از پیروزی خلق کرد عراق در نبل به حقوق خویش خورسند باشد. مضافاً به اینکه این پیروزی، کرد های ایران را برای گرفتن حقوق ملی خویش با زهم بیشتر بر می انگیزد و تشجیع میکند. معذک روزنامه اطلاعات، این زبان نیم رسمی شاه و دولت ایران در یکی از سرمقاله های خود به ستایش از مبارزات خلق کرد پرداخته و بر خورداری کردستان عراق را از خود مختاری به "قوم آریائی نژاد" آن تبریک میکوید و برآست که "این پیروزی را کردها بقیعت فدائاری، جانبازی و مقاومت دلاورانه ای در نبرد های طولانی با قوای مسلح عراق و بدست میاورند". آری آزادی خلق های ایران نیز "بقیعت فدائاری، جانبازی و مقاومت در نبردهای طولانی با قوای مسلح" دولتی بدست میاید. خلق های ایران از این پیروزی الهام میکیرند و دست و پدوش یکدیگر برای آزادی و بدست آوردن حقوق خویش بسه نبردهای طولانی خواهند پرداخت.

بدفاع از کنفدراسیون دانشجویان

های آنهاست همان مامورین سازمان امنیت هستند که کبکرات علیه دانشجویان ایرانی بتحریک و توطئه دست زده اند و همانا اوباشان رژیم شاه هستند که فاعداً میبایستی محاکمه و مجازات میشدند. ما بارها با ارائه شواهد کوناکونی نشان داده ایم که چگونه این گروه فاشیستی با آزادی عمل در آلمان غریسی و اطریش برای سازمان امنیت ایران فعالیت میکند.

اطلاعیه میکوید که: کنفدراسیون دانشجویان از اعمال اوباش سازمان امنیت در کارلسروهه و از تحریکات آنها بر ضد کشره کنفدراسیون به دادگاه آن شهر شکایت کرده است ولی آقای سفیر آلمان در اطلاعیه خود "بشبهه محاکمات ایران" قیل تشکیل دادگاه خود سرانه خود را جانشین دادگاه کرده و به محکومیت کنفدراسیون رای داده است!

اطلاعیه با استناد به مندرجات مجله هفتگی آلمان موسوم به "اشترن" مندرک میشود که این آقای سفیر آلمان غربی در ایران سابقاً از عناصر فعال حزب نازی بوده و زیر نظر هیملر جزیره (اس. اس) به سرپرستی یکی از پخشهای تبلیغات سیاسی وزارت امور خارجه حکومت فاشیستی هیتلر اشتعال داشته است و از اینجهت عجب نیست اگر بفاشیست های ایرانی محبت و علاقه خاص داشته باشد. سپس اطلاعیه بد رستی باین واقعیت اشاره میکند که: "دولت آلمان غریسی و سرمایه داران آن بخاطر سود های کلانی که از میهنمان نصیبتان میکرد اجباراً باید در حفظ رژیم شاه و راضی نگه داشتن آن بکوشند".

مبارزه رژیم کودتا بر علیه کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی بخشی از مبارزه اوست بر علیه جنبش ملی و دموکراتیک خلق ایران. از اینجهت دفاع از کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در برابر رژیم کودتا وظیفه کلبه نیروهای ملی و دموکراتیک است. تشدید حملات سازمان امنیت بر کنفدراسیون نشانه حقانیت مبارزات این یگانه نماینده دانشجویان ایرانی و تاثیر آنست. بدون تردید این حملات به پیداری توده دانشجویان کمک خواهد کرد و آنها را بیش از پیش در کنفدراسیون متشکل خواهد ساخت. ما برای کنفدراسیون کامیابی های نوین در سازمان دادن نیروهای دانشجویی و دفاع از حقوق آنها و شرکت در جنبش ملی و دموکراتیک خلق ایران خواستاریم.

سازمان جانبازان "امنیت" بمسالت کشره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی که در اوایل دسامبر و اوایل ژانویه ۱۹۷۰ در شهر کارلسروهه آلمان تشکیل شد به فتنه انگیزی و توعنه چینی دست زد و برای این کار مزدوران و چاقو کشان خود را بنام اعضا "حزب پان ایرانیست" بمدان فرستاد. کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی بانحر یکات سازمان امنیت با شیوه مبارزه جویانه روبرو شده جاقوشان را بجای خود نشانند و علاوه بر اینکه توطئه آشپزهای اطلاعاتی فاش ساخت کنفدراسیون مطبوعاتی ترتیب داد و از اقدامات تبهکارانه و غیر قانونی ساواک پرده برداشت. مقالات و اظهار عیه های دیگری نیز در این زمینه از طرف کنفدراسیون انتشار یافت.

در اطلاعیه شماره ۷ کنفدراسیون چنین گفته میشود: "بدنیال این واقعه سازمان امنیت کوشش کرد که برای جبران این آبروریزی و رسوائی خود همه دستکاههای تبلیغاتی (روزنامه، رادیو، تلویزیون) و حتی مجلس شاه را از طریق قلب و انساب انواع اتهامات به کنفدراسیون جهانی (که تنها نماینده سازمان متشکل جنبش دانشجویی ایران و تنها نماینده واقعی حواست های دانشجویان شرقی ایران در خارج و خارج کشور است) و فعالین آن بکار بندد. سازمان امنیت ایران که در کلبه بوارد و کلبه فعالیت های غیر قانونی خود در کشورهای غریسی از همکاری پلیس و رژیم های ارتجاعی برخوردار میباشند این بار سعی نمود پس از رسوائی مربوط بواقعه کارلسروهه، دولت آلمان غریسی را بگمک بطلبند... سپس اطلاعیه می افزاید که سفیر آلمان غریسی لیلیفگلد در ایران بسرعاغ رهبر حزب پان ایرانیست "در مجلس رفته ضمن ابراز مراتب تاسف دولت آلمان" بوی قول داد که "... از تکرار چنین وقایعی جلوگیری خواهد شد". سفیر آلمان باین هم اتفاقا نکرده و اطلاعیه ای تحت عنوان "اطلاعیه سفارت آلمان در باره حادثه کارلسروهه" منتشر ساخت و بر دروغ سازی های سازمان امنیت ایران صحه نهاد.

آنگاه اطلاعیه میکوید: "حزب پان ایرانیست یک حزب فاشیستی است باشعارها و علامت ها و مراسم نازی ها... پان ایرانیست های اروپا که یزتک بور باصراحت اعلام میدارد "کارلسروهه مرکز فعالیت

پیروز باد جنگ عادلانه خلق لائوس و کامبوج

تظاهرات دانشجویان و مردم تهران

خوانندگان مینویسند

رویزونیست‌های شوروی و آلمان غربی :

رویزونیست‌های شوروی ضمن همکاری مستقیم غیرمستقیم با امپریالیسم آمریکا برای سرکوبی نیروهای انقلابی و خواباندن انقلاب بهادر منطقه‌های توفانی گستاخی راجعاً رسانده‌اند که حتی از دفاع از متحدین خود و منجمله آلمان دموکراتیک عاجز میمانند .

دعوت سفیر مخصوص آلمان غربی و گرفتن جشن در استیغوی صلح در مسکو نمونمازی از خوش رقصی مسکورا جلوی امپریالیسم آلمان غربی نشان میدهد .

در زمانیکه امپریالیسم آلمان با پیشروی ادعای برلین را دارد و انتخابات رئیس‌جمهور خود را در برلین معین میکند در زمانیکه امپریالیسم آلمان غربی آلمان دموکراتیک را برسمیت نمیشناسد و عناوین مختلفی سعی میکند از شناختن آن سر باز زندد در زمانیکه روزنامه‌های آلمان غربی از دست پرفسورهای خود شکایت می‌کنند که این پرفسورهای ارتش آمریکا گروه‌های آدم‌کش و وسایل نظامی مدرن اختراع میکنند در زمانیکه امپریالیسم آلمان غربی اسرائیل را تقویت میکند که بر علیه خلق عرب بجنگد چه عنوانی غیر از خوش رقصی میتوان به سیاست خارجی مسکو که سعی میکند همکاری با آلمان غربی برقرار سازد داد .

رویزونیست‌های شوروی همانطور که خلق چکسلواکی خیار می‌کنند و اشغال نظامی را رو می‌دارند آگاهانه به خلق آلمان دموکراتیک و قرار داد های پراژگنک نیز پشت پامیزند .

تحریکات پیک ایران :

راد یوینا ایران در برنامه سخن پراکی های خود (در روز یکشنبه برابر اول فوریه) گفتاری در زیر عنوان مائویست‌ها در داخل و خارج کشور سخن نموده بعد از دروغ پردازی در باره روابط حسنه چین و آمریکا و " بندوست‌های پشت پرده " چنین ادامه داد که آنها در فکر چیدن توطئه و خرابکاری بر ضد اتحاد جماهیر شوروی " این در ضد امپریالیسم " هستند . اما اگر با اولین مصاحبه رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۷۰ که در همان روز اول با خبرنگاران خارجی و داخلی صورت گرفت و در اغلب روزنامه های جهان چاپ شد نظری افشام توجه خواهیم شد که :

آقای رئیس‌جمهور خبر ساختمان و تقویت نیروهای موشکی آمریکا را با خبرنگاران داد و گفتن این سلاح ها محافظ آمریکا در مقابل چین کمونیست است و آمریکا با این سلاح ها قادر است هم پیمانهای خود را در دریای آرام در مقابل کمونیسم و چین حفاظت کند .

البته سخنان پیک ایران و مصاحبه مطبوعاتی نیکسون در یک روزنامه بدون رابطه نیست .

راد یو پیک ایران این موضوع را بخش کرد تا روی گفته های نیکسون سروشی گذارد و همه چیز را در کون جلوه دهد . دیگر کیست که بخوبی رویزونیست های ایران و راد یو ی آنها کوثر دهد ، کسانی که در خارج از کشور هستند بجای اینکه به اخبار گادب و بی شماری گوش دهند ترجیح میدهند واقعیت را در لاپلائی روزنامه های مترقی خارجی جستجو کنند .

در داخل کشور هم اگر هنوز بحاطر حیثیت اتحاد جماهیر شوروی در زمان لنین و استالین جای شک و تردیدی برای مردم درباره سیاست شوروی باقی بود با نوشته هائی در اطلاعات و کیهان درباره اینکه " ترس از شمال بر طرف شد " - فروش اسلحه با ایران " - دعوت پیاپی شاه و اشرف به مسکو " - دادن درجه دشتا بجلاز ملت ایران " بر طرف گردید .

و وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم تضاد حاصل شده است تضاد عمیق و روز افزون تضاد مرحله‌ای ! ؟

آیا این فتوا آرایش امپریالیسم و ارتجاع نیست ؟ آیا این فتوا تبرئه محمد رضا شاه ، این سگان دار " استقلال سیاسی ایران " بشمار نمی آید ؟ آیا این فتوا لکه های سیاه بر خاطر مقدس شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نمی پاشد ؟ آیا این فتوا حیات بنهضت ملی و دموکراتیک ایران نیست ؟

توده ها منفرد سازند . اطلاعات مینویسد : " . . . طبق گزارشهایی که به دولت رسیده در میان مردم عواملی هم بودند که میخواستند از موقعیت سوء استفاده کنند و این عوامل شناخته شده و مورد تعقیب قرار میگیرند " و در جای دیگر در مورد تظاهرات دانشجویان اضافه میکند : " . . . طبق این گزارش تحریک مسلم است و جناح تحریک کننده نیز شناخته شده است . " رژیم شاه مدعی است که عده ای از " تحریک - کنندگان " را بازداشت کرده است . این بدان معنی است که بازداشت شدگان تنها بخشی از " تحریک کنندگان " میباشند بنا بر اطلاعات دقیقی که در دست است تعداد این " عده ای " حدود هزار نفر است . این نیز بدان معنی است که " تحریک - کنندگان " ده نفر و بیست نفر نبوده بلکه صدها نفر از دانشجو یان و مردم تهران را تشکیل میداده اند . البته این هم بدان معنی است که نفرت شاه و هیات حاکمه جنبه بسیار توده ای دارد . مردم از هر فرصتی برای بیان احساسات ضد ارتجاعی خود استفاده میکنند و در این طریق از دادن کشته و زخمی و زندانی نیز نمیهراسند .

تظاهرات اخیر دانشجویان و مردم تهران بار دیگر نشان داد که اگر مردم ایران بخواهند حقوق خویش را بدست آورند باید متحد و یک بارچه عمل کنند و به زور و قهر تسلل یابند .

این تظاهرات بار دیگر نشان داد که تظاهرات شهری با وجودیکه در مواقع ضروری باید بدان عادت برد و از آن‌ها بعنوان وسیله ای برای عقب نشاندن دستگاه حاکمه استفاده کرد - سلاحه از جانب قوای نظامی شاه سرکوب میشوند . در شرایط ایران تنها آن قهر انقلابی طولانی که در خارج از شهرها در روستاها موجود آید ، در آنجا اوج و وسعت کسیرد به محاصره شهرها و در حلقه گرفتن ارتجاع در شهر منتهی شو مقرون به بیروزی خواهد بود .

ما به دانشجویان و مردم قهرمان تهران که بار دیگر داغ ننگ و نفرت بر پیشانی رژیم سرسپرده ایران کوبیدند ، درود پیشرو میفرستیم . ما از کسبه سازمانهای شرقی و عناصر میهن پرست دعوت میکنیم که برای افتخار جانیات رژیم و برای آزادی کسانی که بحاضر شرکت در این تظاهرات به شکنجه کابهای رژیم افتاده اند مجدانه مبارزه کنند .

یک فتوای دیگر رویزونیستی

سرکرده رویزونیست ها جندی پیش فتوا در مورد که ایران " اکنون کشوری صنعتی - کشاورزی است یعنی امروز در اقتصاد ایران صنعت در مقام اول است نه کشاورزی " (مجله دنیا شمار ۳ سال ۱۳۴۶) .

اینک فتوای دیگری صادر کرده و گفته است : " هدف مرحله کنونی انقلاب آزادی بخش در کشورهای در حال رشد و نواستقلال عبارت از حل تضاد عمیق و روز افزون ممال استقلال سیاسی این کشورها از یک سو و ادامه وابستگی اقتصادی آنان به امپریالیسم از سوی دیگر است . تضاد مزبور حادثترین و مهترین تضادی است که میان کشورهای در حال رشد و امپریالیسم وجود دارد . برای حل تضاد مزبور اکثریت کشورهای در حال رشد مانند کشور ما راه رشد سرمایه داری را اختیار کرده اند (مجله دنیا شماره ۳ سال ۱۳۴۸) (خط کشی زیر کلمات از خود اوست) .

مابرای نشان دادن ماهیت رویزونیستی و سازشکارانه این فتوای پوسیده بیحت ثنوریک نمیرد ازیم و بتذکر واقعیتانی مشهور اشفا می‌گیم :

مضابق این فتوا ایران محمد رضا شاه دارای استقلال سیاسی است یعنی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با خرج ۱۹ میلیون دلار و تحریک و نقشه کشی امپریالیست ها و میدان داری عمال سرشناس ارتجاع و استعمار و جاقوکان حرقه ای ، با زجر و حبس و اعدام دهها و صدهاتن از مبارزان راه استقلال و آزادی ایران ، با برکردن شاه فراری بر اریکه سلطنت برکتزاد شد استقلال سیاسی ایران را نامین کرده و حالا بین این استقلال

آتش خشم مردم ایران که گاه و بیگاه زبانه میکشد به دشمنان خلق نشان میدهد که خاموش شدنی نیست بر دامنه و سوزان آتش روزی که گماشتگان رژیم محمد رضا شاه نقشه نیرنگ آمیزی برای گران تر کردن نرخ انویوسرانی شهر تهران کشیدند ، هرگز گمان میگردند که با عس العمل شدیدی از جانب اهالیی مواجه گردند .

ولی گامه صبر مردم لیریز بود و بانگ اعتراض آنها بلند شد . ابتدا دانش آموزان و دانشجویان از روز ۲۹ بهمن به اعتصابی مدت دست زدند و به تظاهرات پرداختند ، سپس بازاربان و سایر اعمالی تهران به آنان پیوستند . در روزهایی که این تظاهرات جریان داشت مردم از سوار شدن در اتوبوس خودداری کردند و برای اینکه اتوبوسرانی بشلی تعطیل نشود اغلب رانندگان و کمک رانندگان حاضر نشدند در این مدت رانندگی کنند ، آنها نیز علاوه تظاهرات مردم پیوستند .

از آنجا که هنوز کوشش رژیم به فریاد مردم بد هتار نبود ، برای مردم جاره دیگری نامند بجز اینکه به زور تسل شوند و با شکستن و واژگون کردن اتوبوسها ، تظاهرات خود را به حلقه عالیتری بکشانند . بنا به اعتراف مقامات دولتی در این مدت بیش از یکصد و بیست اتوبوس شکسته و واژگون و بسیاری از وسایل پلیس منهدم گردید .

بدین ترتیب تظاهرات مردم تهران به تظاهراتی قهر - آمیز تبدیل شد ، شعارهای آن نیز که ابتدا جنبه اقتصادی داشت به شعارهای سیاسی تبدیل گردید . آنها در ابتدا تنها علیه شرکت اتوبوسرانی و پلیس شعار میدادند ولی فریاد ننگ و نفرت علیه دولت و دربار نیز گرازا به گوش میرسید ، سایر مامورین دولت بارها تصادم روی میداد . یکی از تظاهرکنندگان بعنوان اعتراض به رژیم شاه خود را در ملا عام آتش زد ، نفع دانشجو در جریان تظاهرات بقتل رسیدند ، ده ها نفر مجروح گردیدند و صدها نفر به بازداشتگاهها و شکنجه گاهها فرستاده شدند .

ولی رژیم شاه پیش از این نتوانست در مقابل خشمندیدیه مردم تاب آورد و برای آنکه کار به جاهای وخیم نری کشانده نشود ، دستور لغو تصمیمات شرکت واحد اتوبوسرانی را داد . بدینال این عقب نشینی رژیم شاه ، دستکاههای تبلیغاتی او کوشیدند در این رسوائی تنها تصدیان شرکت واحد اتوبوسرانی را مقصر قلمداد کنند و این احزاب آنانرا پدیده ای استثنائی در وضع عمومی ایران جلوه دهند ، پدیده ای که کویا یا " منویات ملوانه " منطبق نیست و نیز این شاه است که تویا در مواقع حساس جلوی این احجافات را میکرد .

روزنامه اطلاعات در کمال وقاحت مینویسد که کویا منظور مردم از اینهمه تظاهرات آن بوده است که " توجه شحص اول مملکت را به اثرات افزایش گرا به اتوبوس در بالا رفتن سایر نرخها و شتاب غیر منطقی که در اتحاد این تصمیم بکار گرفته است جلب کنند " !

همچنین دستکاههای تبلیغاتی شاه میکوشند سیاسی گشتن تظاهرات را گمان کنند ، به مردم اندرز میدهند که در این مواقع تنها باید به تظاهرات خاموش و مسالمت آمیز متوسل شد ، به نوشتن عریضه و جمع کردن امضا ، بزی شاه افتخار کرد ، به مقامات مسئول نیز توصیه میکنند که در تصمیمات خود افکار عمومی را نیز در نظر داشته باشند . در مقاله نویس اطلاعات بدین مقامات چنین رهنمود میدهد : " ولی یک ننگه رانی - توان ناکفته گذاشت که در مسائل مربوط به زندگی عادی و جاری مردم باید از طریق عبیعی - یعنی بر اساس عرف و سنن دموکراتیک تصمیم گرفته شود تا موجبی برای بروز نگرانیها و عس العمل های تند باقی نماند " . کوشی سایر تصمیمات رژیم " از طریق عبیعی . . . " است . کوشی تنها این تصمیم غیر طبیعی از زیر دست رژیم در گرفته است و سایر تصمیمات وی " بر اساس عرف و سنن دموکراسی " اتخاذ شده است .

دستکاههای تبلیغاتی شاه همچنین میکوشند آن مردم روشن بینی را که حقیقت را دریافتند و تظاهرات علیه شرکت واحد را به تظاهرات علیه دولت و دربار تبدیل ساختند ، از سایر

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده‌ای است

لنین راه‌گشای علم‌نو

"علم در دوران سیر تکاملی خود افراد شجاع زیادی را می‌شناسد که با وجود انواع موانع و علی‌رغم همه چیز توانسته اند کهنه را بشکنند و نورا ایجاد کنند. این مردان علم از قبیل گالیله، داروین و بسیاری دیگر مشهور عالمند. و من میخواستم در مورد یکی از بزرگان عالم علم که در عین حال بزرگ‌ترین مرد عصر حاضر است سخن بگویم. منظور من لنین، معلم ما و مربی ماست. سال ۱۹۱۷ را بخاطر بیاورید. لنین بر اساس تجزیه و تحلیل علمی تکامل اجتماعی روسیه بر اساس تجزیه و تحلیل علمی اوضاع بین‌المللی، باین نتیجه رسید که یگانه راه برون شدن از اوضاع، پیروزی سوسیالیسم در روسیه است. این استنتاج برای بسیاری از مردان عالم آن زمان کاملاً غیر منتظره بود. پلخاند که یکی از برجستگان علم بود در آن موقع لنین را تحقیر میکرد و میگفت که "هذیان میکوید". دیگر مردان علم که اشتهاشان کمتر نیست اظهار میکردند که "لنین عقش کم شده است" و باید او را هر چه ممکن است دور ساخت. آن موقع انواع و اقسام مردان علم علیه لنین که او را یک شخص مخرب علم میدانستند زوزه برانداخته بودند. ولی لنین هر اسی نداشت از اینکه بر خلاف جریان شنا کند و با کهنه پرستی بحارزه برخیزد. و لنین پیروز شد."

استالین

لنین و جنک. . . بقیه از صفحه ۲ که لنین به کونیست‌های کشورهای خاور زمین توصیه میکند و در آن چنانکه می‌بینید کوچکترین اشاره‌ای هم به قیام مسلح در شهرها با دست طبقه کارگر آنها در شرایط "وضع انقلابی" نیست. رفیق مائوتسه دون، بزرگترین مارکسیست - لنینست دوران ما با جمع بندی تجارب ۲۵ سال جنگ انقلابی خلق کبیر چین - جنگی که پیروزی آن در سر نوشت خلق های جهان در سر نوشت پیروزی سوسیالیسم در مقیاس جهانی بویزه پس از پشت کردن رهبران حزب و دولت شوروی به مارکسیسم - لنینیسم و به انقلاب برداری اهمیت عظیم جهانی است. مارکسیسم لنینیسم را تکامل بخشیدند و اذغنی ساخت و قانونمندی انقلاب و جنگ انقلابی را در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بدست داد که پیروزی انقلاب در جمهوری دموکراتیک توده ای ویتنام و هم اکنون موفقیت‌های انقلابی ویتنام جنوبی علیه امپریالیسم امریکا دلیل بر صحت است.

اما برای رویزیونیست ها این آموزش لنین به کونیست های کشورهای خاور زمین، آموزش مائوتسه دون که تعمیم علمی تجارب حاصل از جنگ انقلابی چین است، پیروزیهای عظیم خلق چین، خلق ویتنام و غیره بر اساس این آموزش، اینها همه گویا در خور توجه و اعتنا نیست.

البته رویزیونیست ها میتوانند ده ها سال در انتظار ظهور "وضع انقلابی" بنشینند ولی خلق های ایران و در پیشاپیش آنها حزب انقلابی طبقه کارگر ایران راهی را خواهد پیمود که لنین و مائوتسه دون به آنها نشان میدهند. تنها این راه است که به پیروزی انقلاب خواهد انجامید.

سه رساله از لنین

بناسبت سده میلاد لنین، آموزگار راهی زحمتکشان جهان، مجموعه ای مشتمل بر سه رساله زیرین از آثار او در او از طرف توفان انتشار یافت:

- ۱- "درباره دولت"
 - ۲- "مزهائی درباره وظائف اساسی انترناسیونال کونیستی"
 - ۳- "درباره انترناسیونال سوم"
- آن را از دفتر توفان بخواهید. بها ۳۰ ریال

سوگنده. . . بقیه از صفحه ۱
بیاوند، دوخته اند. زنجیرهای بردگی همواره دست نخورده میماند یا اینکه زنجیرهای کهن بزنجیرهای نوین بدل میکند که بهمان اندازه طاقت فرسا و ذلت یار بود. فقط در کشور ما بود که ستم‌دیدگان و توده های آزادی‌درآمده زنجیر موقتی شدند بار سیادت ملاکان و سرمایه داران را از دوش خود بردند. اندازند و سیادت کارگران و دهقانان را جانشین آن نمایندند. شما میدانید، رفقا، و تمام جهان هم اشون باین موضوع معترف است که این مبارزه عظیم را رفیق لنین و حزب او رهبری کرد. عظمت لنین قبل از همه در همین است که با ایجاد جمهوری شوراهای، عملاً به توده های ستمکش تمام جهان نشان داد که امید نجات از بین نرفته است، که سیادت ملاکان و سرمایه داران را بقائتی نیست، که سلطنت کار را میتوان با نیروی خود زنجیر و بوجود آورد، که سلطنت کار را باید در زمین بوجود آورد نه در آسمان. بدینوسیله او آتش امید و آزادی را در قلب کارگران و دهقانان تمام جهان برافروخت. این حقیقت که نام لنین برای توده های رنجبر و استثمار شونده محبوبترین نامهاست، از همینجا سرچشمه میکند.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بما وصیت کرد که دیشاتوری پرولتاریا را حفظ کرده و مستحکم سازیم. سوگند یاد میشیم بتو، رفیق لنین، که از نیروی خود دریغ نخواهیم داشت تا این وصیت تو را هم با شرافت انجام دهیم! . . .

دیشاتوری پرولتاریا در کشور ما بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان بوجود آمد. این اولین پایه اساسی جنگ شوراهایست. بدون وجود این اتحاد ممکن نبود کارگران و دهقانان به پیروزی بر سرمایه داران و ملاکان نائل گردند. بدون پشتیبانی دهقانان کارگران نمیتوانستند سرمایه داران را مغلوب سازند. بدون رهبری از طرف کارگران، دهقانان نمیتوانستند ملاکان را مغلوب کنند. تمام تاریخ جنگ داخلی کشور ما گواهی بر این حقیقت است. ولی به پایان مبارزه برای تحکیم جمهوری شوراهای هنوز خیلی مانده است. این مبارزه فقط شکل جدیدی بخود گرفته است. سابقاً اتحاد کارگران و دهقانان شکل اتحاد نظامی داشت، زیرا این اتحاد علیه کجاک و دیکتاتور بود. اکنون اتحاد کارگران و دهقانان باید شکل همکاری اقتصادی بین شهر و ده، بین کارگران و دهقانان را بخود بگیرد، زیرا این اتحاد علیه تاجر و کولات توجه است، و هدف آن نامین متقابل کتبه حوائج دهقانان و کارگران می باشد. شما میدانید که هیچکس بقدر رفیق لنین در اجرای این وظیفه یافتاری نمیرد.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بما وصیت کرد که با تمام قوا اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم سازیم. سوگند یاد میشیم بتو، رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد! . . .

دومین پایه جمهوری شوراهای اتحاد زحمتکشان ملیتها، شور ماست. روسها و اوکرائینی ها، باشقیرها و بلوروسها، کرجی ها و آذربایجانی ها، ارمنی ها و داغستانی ها، تاتارها و قرقیزها، ازبکها و ترکمن ها، همه آنها بطوریکسان بمتحیم دیشاتوری پرولتاریا علاقمند هستند. نه تنها دیشاتوری پرولتاریا این ملت ها را از زنجیر و ظلم خلاص میکند، بلکه این ملتها نیز با صداقت و صمیمیت بدریغ خود نسبت بجمهوری شوراهای آمادگی خود برای جانفشانی در راه آن، جمهوری شوراهای ما را از دسائس و دستبرد دشمنان طبقه کارگر در امان نگاه میدارند. باین علت است که رفیق لنین لزوم اتحاد و وظیفایه ملت‌های کشور ما، لزوم همکاری برادرانه آنها را در قالب جمهوریها بطور خستگی ناپذیری بما گوشزد میکرد.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک می نمود بما وصیت کرده اتحاد جمهوریها را مستحکم کنیم و بسط دهیم. سوگند یاد میشیم بتو رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد! . . .
سومین پایه دیکتاتوری پرولتاریا، ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ ما میباشد. لنین بارها بما میگفت که تنفسی که ما از کشور های سرمایه داری بدست آورده ایم ممکن است کوتاه مدت باشد. لنین بارها بما خاطر نشان میکرد که تحکیم ارتش

سیاست رویزیونیستی

"کسی که پس از تجربه اروپا و آسیا از سیاست غیر طبقاتی و سوسیالیسم غیر طبقاتی دم بزند او را فقط باید در قفس نهاد و در کنارش کاکتوس استرالیایی بمعرضه نمایش گذارد."

لنین

سرخ و بهبود وضع آن یکی از مهمترین تکالیف حزب ما میباشد. حوادث مربوط به انعام حجت کرزن و بحران آلمان، یک بار دیگر ثابت کرد که بازهم مانند همیشه حق به جانب لنین بود. پس سوگند یاد کنیم، رفقا، که ما از نیروی خود برای تحکیم ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ خود دریغ نخواهیم داشت.

کشور ما که در اقیانوس دلت‌های بورژوازی احاطه شده همچون صخره عظیمی برپای ایستاده است. امواج ازبی امواج روی آن غلظیده بعرق شدن و سائید شدنش تهدید مینماید. ولی این صخره همچنان خلل ناپذیر بر جای مانده است. نیروی آن در چیست؟ نیروی آن تنها در این نیست که کشور ما براتحاد کارگران و دهقانان استوار است و تجسمی است از اتحاد ملیت های آزاد و دست نیرومند ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ از آن دفاع مینماید. نیروی کشور ما، استحکام آن و استواری آن در اینست که در قلوب کارگران و دهقانان تمام جهان حس همدردی ژرف و پشتیبانی خلل ناپذیری نسبت به آن وجود دارد. کارگران و دهقانان تمام جهان میخواهند جمهوری شوراهای ما را بشانه تیریکه از دست صائب رفیق لنین بسوی اردو گاه دشمنان رسانده است، بشانه تکیه گاه امید و آریهائی خود برای خلاصی از زیر بار ظلم و استثمار و بشانه رهنمای صدیق که راه خلاصی را به آنان نشان میدهد. حفظ نمایند. آنها میخواهند آنرا حفظ نمایند و نخواهند گذارد که ملاکان و سرمایه داران منهدمش سازند. نیروی ما در اینست. نیروی زحمتکشان تمام جهان در این است. و ضعف بورژوازی تمام جهان نیز در همین است.

لنین هیچگاه بجمهوری شوراهای بمنزله کمال مظلوم نگاه نمیکرد. او همیشه آنرا بمنزله حلقه ضروری برای تقویت جنبش انقلابی در کشورهای باختر و خاور و بمنزله حلقه ضروری برای تسهیل پیروزی رنجبران تمام جهان بر سرمایه‌بینگریست. لنین میدانست که فقط اینگونه فهم مطلب است که نه تنها از نقطه نظر بین‌المللی، بلکه از نقطه نظر بقا خود جمهوری شوراهای نیز صحیح میباشد. لنین میدانست که فقط بدینوسیله میتوان قلوب رنجبران تمام جهان را برای مبارزات قطعی در راه آزادی مشتعل نمود. باین علت بود که او - نابغترین پیشوایان نابه پرولتاریا، در همان فردای دیشاتوری پرولتاریا شالوده انترناسیونال سیونال کارگران را ریخت. باین علت بود که او از سبب تحکیم اتحاد رنجبران تمام جهان انترناسیونال کونیست خستکی نداشت. شما طی این روزها دیدید که چگونه ده ها و صدها هزار زحمتکش بزیارت تابوت رفیق لنین می آمدند. پس از آنکه زمانی شما خواهید دید که چگونه نمایندگان میلیونها زحمتکش برای زیارت آرامگاه رفیق لنین خواهند آمد. میتوانید یقین داشته باشید که از سیر این نمایندگان میلیونها، بعد ها میلی از نمایندگان دهها و صدها میلیون نفر از تمام اشراف عالم رو آور خواهند شد تا گواهی دهند که لنین فقط پیشوای پرولتاریا روسیه، فقط پیشوای کارگران اروپا، فقط پیشوای خاور مستعمر نبوده بلکه پیشوای زحمتکشان تمام کره ارض نیز بود.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بما وصیت کرد که با اصول بین‌المللی کونیست وفادار باشیم. سوگند یاد می کنیم بتو، رفیق لنین، که ما از جان خود دریغ نخواهیم داشت تا اینکه اتحاد رنجبران همه جهان یعنی انتر-ناسیونال کونیست را مستحکم سازیم و بسط دهیم! . . .

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

به پیش در زیر درفش طبقه کارگر

لنین و جنگ توده‌ای

لنین و ایران

نام بزرگ لنین با نهضت دموکراتیک و استقلال طلبانه خلق ایران بهم پیوسته است.

پس از ده ها سال (تقریباً از اوان دولت قاجار) که میهن زخمیده و ناتوان ما در زیر ضربات دول امپریالیستی روسیه و انگلستان قراردانت نخستین دولت بزرگی که دست برادری بسوی او دراز کرد دولت لنین بود.

پس از ده ها قرارداد امپریالیستی (مانند قرارداد گلستان، ترکمانچای و قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹) که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای ایران تحمیل شد نخستین قرارداد برادرانه و مبتنی بر مساوات را (قرارداد ۱۹۲۱) دولت لنین برای وی با رمغان آورد.

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هیچ صدائی در صفت جهان نیرو مند تراز صدای لنین بدفاع از حقوق خلق ایران برخاسته است.

" در ایران مگر انقلاب روی داده است... ارتش تزار روس... بعد از قهرمانی هائی که در تیرباران، انتقام جویی، سرکوب و جیاول در روسیه صورت گرفت اینک همان قزاق ها در سرکوب انقلاب ایران به قهرمانی مشغول اند... اما مبارزات سرسخت در تیریز، تغییر مکرر موقعیت جنگی بنفع انقلابیون که بنظر می آمد شکست سختی خورده اند نشان میدهد که دارودسته شاه با وجود حمایت لیاخوف روسی و دیپلمات های انگلیسی بمقاومت سختی از پائین برخوردارند... چنین جنبش انقلابی... مدن نیست خفه شود."

این صدای لنین بود که بگوش زحمتکشانشان جهان می رسید. این صدا در موقعی غنیمت می انداخت که انقلابین تیریز برهبری ستارخان با قوای استبداد درگیر نبرد خونین بودند و ارتجاع و امپریالیسم میخواستند فریاد آنها را در خون خفه کنند.

لنین مبارزه برای رهائی روسیه را از مبارزه برای رهائی ایران و سایر کشورهای تحت سلطه تزاریم جدا نمیدانست زیرا که بغول مارکس و انگس " خلقی که برخلق های دیگرستم روا میدارد نمیتواند خلقی آزاد باشد". لنین بر آن بود که تا امپریالیسم تزاری باقی است خلق روس همانقدر برده خواهد بود که خلق ایران. لنین در آغاز جنگ اول جهانی که کشور ما باریک میدان تاخت و تاز قشون تزاری بود چنین مینوشت: " ما روس ها " از بردگی در بروز خود (که اعیان ملاک، دهقانان روس را برای مخنتق ساختن آزادی مجارستان، لهستان، ایران و چین بگنجه میبردند) و از بردگی امروز خود (که همان ملاکان بیاری سرمایه داران، مارا برای مخنتق ساختن لهستان و اوکراین، برای سرکوب نهضت دموکراتیک ایران و مصر بگنجه میکشاند) ... بویژه نفرت داریم."

لنین هیچگاه از افتنه جنایات امپریالیست ها و بخصوص امپریالیست های روس نسبت به ایران و سایر ممالک استعمار زده آسیا باز نیستاد:

" همه دنیا میداند که ده ها سال است که تزاریم در روسیه سرکوب بیشتر از صد میلیون نفر از افراد سایر ملت ها مشغول است. ده ها سال است که روسیه به اعمال سیاست راهزنانه بر علیه چین، ایران، داریستان، کالیسی مبارت مجبویید" (فوریه ۱۹۱۶)

لنین سال ها پیش از پیروزی انقلاب کبیرا شبر، سیاست خارجی دولت کارگران و دهقانان را بروشنی بیان کرده بود:

" ما خواستار روسیه ای آزاد و مستقل، دموکراتیک، جمهوری هستیم که مایه مباحث روس ها باشد، روابط خود را با همسایگانش بر اصل انسانی برابری بنیاد نهد نه بر اصل قرون وسطائی امتیاز طلبی که موجب تنزل این ملت بزرگ میشود"

و پس از آنکه دولت کارگران و دهقان در روسیه مستقر

" قیام مسلح " در شرایط " وضع انقلابی " آنگونه که در آثار لنین آمده و بد انسان که طبقه کارگر روسیه تحت رهبری لنین برای پیروزی انقلاب بدان دست زد. آنچه می آید است که ریزیو - نیست های حزب توده ایران در انتظار آند. آنها در انتظار پیدایش " معجزه " - " وضع انقلابی " نشسته اند. معجزه برای آنکه احتمال جمع آمدن شرایط وضع انقلابی در ایران آن اندازه ناچیز است که پیدایش آن به معجزه بیشتر شباهت دارد و تا زمان پیدایش چنین معجزه ای رژیم نکتت بار کنونی همچنان بر مرکب مراد سوار است و توده های مردم ایران در زیر فشار و ستم آن همچنان دست و پا خواهند زد. تئوری " قیام مسلح " در شرایط " وضع انقلابی " که ریزیو نیست ها از آن دم و حشمتناکی ساخته و محکم بدان چسبیده اند، در دست این مردمان و ستم منحر ف ساختن توده ها از مبارزه انقلابی و در نتیجه حفظ و حراست شاه و رژیم اسارت باری است که با دست او امپریالیسم میگرد.

ممكن است تصور رود که تئوری لنینی " قیام مسلح " در شرایط " وضع انقلابی " در زمره آن اصول جهانشمول مارکسیسم لنینیسم است که در همه جا، همه وقت و همه شرایط حقیقت دارد و باید برهقی آن عمل کرد. اما تجربه انقلابات کشور های مستعمره و نیمه مستعمره، آن انقلاباتی که به ثمر رسیده و هم اکنون به استقرار دیکتاتوری پرولتاریا منجر گردیده است ثابت میکند که این تئوری جهانشمول نیست و میتوان و باید قیام مسلح را در کشورهای نظیر ایران، بویژه در شرایط اختناق و فشار کنونی یا جنگ انقلابی جانشین کرد.

لنین نه تنها هیچگاه از این تئوری دم ساخته است بلکه در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره " خاور " همه جا از جنگ ملی و جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و بقایای نظام قرون وسطائی سخن میاورد و توجه خود را به دهقانان که " توده عمده " سته این کشورها را تشکیل میدهند معطوف میدارد. بد آموز لنین توجه کیم:

" یکی از مهم ترین خصوصیات امپریالیسم اتنافا اینست

شد لنین بعنوان " صدر شورای کمیسرهای خلق " در خطبایهائی بنام زحمتکشانشان مستمان روسیه و خاور زمین چنین ندا داد: " ما اعظم میداریم که قرارداد تقسیم ایران ار هم دریده و نابود شده است. از جانب روسیه و دولت انقلابی وی ستمی متوجه شما نیست بلکه از جانب امپریالیست ها یعنی آبهائی است که میهن شما را بمستعمره حفاتر دیده و جیاول کشیده خویش میدل ساخته اند."

نخستین سفیر دوستی و برادری که دولت لنین بایران فرستاد بحریت امپریالیسم و ارتجاع بقتل رسید. ولی هیچ نگرانی قادر نبود ندای نیرومند نخستین دولت کارگران و دهقانان روسیه را در ایران ناشنیده بگذارد. بالاخره تزار در پیشش شوروی در ۱۹۲۱ مورد قبول قرار گرفت و دولت ایران برای نخستین بار در قرن نوزدهم و بیستم بعنوان طرف مساوی - الحقوق دریای قراردادی که ضمانت استقلال او، براند از زندگانی پیتولا سیون و شبه امتیازات تزاری در ایران بود امضا گذاشت.

برای آنکه منقشه وسیع تری از یاری لنین بنهضت ملی و دموکراتیک خلق ایران داشته باشیم باید به آموزش های دهقانان لنینی که خلق ایران و خلق های سراسر جهان را با سلاح پیروزی بخش لنینیسم مجهز ساخت توجه کنیم. باید به عظمت انقلاب کبیر که تحت رهبری لنین در جبهه امپریالیسم و استعمار شکاف انداخت و دنیائی نوین بر روی خلق ایران و خلق های سراسر جهان کشود بیندیشیم. باید این واقعیت را از نظر بگذرانیم که در انقلاب ایران چه در دوره اول و چه در دوره دوم، انقلابیون سوسیال دموکرات روس برادر رواریه مساعدت خلق ایرا شناختند و چه بسیار از آنها که بخاطر دفاع از انقلاب ایران برخاک افتادند، و این فداکاری و جانبازی آنان نتیجه سیاست انترناسیونالیستی حزب سوسیال دموکرات روسیه برهبری لنین بسود.

از اینجهت نام لنین برای خلق ایران پیوسته نامی محبوب و یاد آور آینده ای سعادت مند بوده و هست. افتخار جاویدان برلنین کبیر.

که سیر تکامل سرمایه داری را در عقب مانده ترین کشورها تسریع میکند و از اینراه مبارزه علیه ستم ملی ریزیو میدهد وحدت می بخشد. این یک واقعیتی است و از آنجا ناکزیر این نتیجه حاصل میاید که امپریالیسم باید در موارد عدیده موجب پیدایش جنگهای ملی شود... نغی امثال وقوع جنگهای ملی در دوران امپریالیسم از لحاظ تئوری نادرست، از لحاظ تاریخی اشتباه آشکار و از لحاظ عملی صاوی با سونیسم اروپائی است."

(لنین: برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی)
لنین در جای دیگر جنگ ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره را علیه امپریالیسم " ناکزیر، مشرق و انقلابی " می شمارد و آنرا نتیجه اجتنابناپذیر سیاست امپریالیستی میداند.

" در دوران امپریالیسم جنگهای ملی از طرف کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره نه فقط محتمل بلکه ناکزیر است در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره (چین، ترکیه، ایران) نزدیک هزار ملین نفر یعنی بیش از نیمی از سکنه روی زمین زندگی میکنند. جنبش های آزادی بخش ملی در اینجا یا خیلی نیرومند است و یا توسعه مییابد و رسیده میشود. هرچند ادامه سیاست استبداد و مسائل دیگر. ادامه سیاست آزادی بخش ملی مستعمرات ناکزیر از جانب این کشورها به جنگهای ملی علیه امپریالیسم منجر میگردد"

(لنین: درباره نشریه یونیوس)
لنین می آموزد که - جنگ انقلابی ملی به پیروزی کامل می انجامد هرگاه وسیعترین توده های مردم این کشورها در آن شرکت جویند و برای آزادی و استقلال خود متحداً مبارزه کنند، یا آنکه شرایط بین المللی بحال انقلاب مساعد باشد و امکان هرگونه عملیات یا لاف عملیات جدی را از امپریالیست ها سلب کند و بالاخره یا آنکه همزمان با جنگ انقلابی ملی در ضرورت پرولتاریا علیه بورژوازی به قیام برخیزد. توجه کنید:

" جنگهای ملی علیه دولت های امپریالیستی نه فقط مدن و محتمل است بلکه ناکزیر، مشرق و انقلابی است اگر چه سرانجام برای موفقیت آنها یا اتحاد مساعی تعداد، عظیم سگه کشورهای اسیر لازم است (صد هاد میلیون در نمونه چین و هند که ذکر کردیم) یا ترتیب بویژه مساعد شرایط وضع بین المللی (مثلا فلج شدن مداخله دولتهای امپریالیستی در نتیجه ضعف شدن آنها، جنگ آنها، آناکونیسم آنها و غیره) و یا قیام همزمان پرولتاریای یکی از دولتهای بزرگ علیه بورژوازی (این حالت اخیر در شما رشا از این نقطه نظر که برای پیروزی پرولتاریا مطلوب و سودمند است در سرنوچه قرار میگیرد)
(لنین: درباره نشریه یونیوس)

روشن است که در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره اکثریت اهالی با دهقانان است، دهقانان در واقع نیروی عمده جنگتوده ای را تشکیل میدهند. لنین می آموزد و تجربه انقلابات کشورهای خاور نشان میدهد که جنگ ملی انقلابی آنگاه به ثمر میرسد که حزب طبقه کارگر دهقانان را بسنج، متشکل و مسلح ساخته علیه بقایای فئودالیسم و امپریالیسم بر طبق قوانین جنگ توده ای به نبرد بکشاند. لنین این اندیشه را در سخنرانی خود خطاب به نمایندگان سازمانهای کمونیستی خاور زمین با عبارات صریح و روشن بیان میدارد:

" در اینجا در برابر شما وظیفه ای قرار گرفته است که قبل در برابر کمونیست های سراسر جهان قرار گرفته بود: بسا تکیه بر تئوری و پیراتیک عام کمونیستی شما باید... بتوانید این تئوری و پیراتیک را بر شرایطی انطباق دهید، هنگامی که توده عمده دهقانان است، هنگامی که باید وظیفه مبارزه را نه علیه سرمایه بلکه علیه بقایای نظام قرون وسطائی انجام داد. این وظیفه خاص و دشواری است ولی شمرختر است زیرا که آن توده های مبارزه کشانیده میشود کماکنون در مبارزه شرکت نکرده است..."

(لنین: سخنرانی در دومین کنفرانس سازمانهای کمونیستی خلق های خاور)
بقیه در صفحه ۲

زنده و پاینده باد آموزش پر نبوغ لنینی

نشریات توفان

تا تاریخ اردیبهشت ۱۳۴۹

۱- سیک ذهنی در تفکر و عمل (که نایاب شده است).

۲- آموزش چهره را از نو سازمان اثر رفیق مائوسه دون (که نایاب شده و اولی چاپ چینی آن موجود است).

۳- اصول مقدمانی فلسفه (که بتعداد اندکی موجود است).

۴- اعلامیه و برنامه کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی

مضمن فصول زیرین:

۱- سرکردگان روزیونیست حزب کمونیست شوروی در زیر نقاب مارکسیسم.

۲- استالین و دو مکراسی پرلتری.

۳- سلطه بورکراسی.

۴- اپورتونیستها در عرصه جهانی.

۵- کمونیست ها به پیش.

بها: ۴۰ ریال

۵- روزیونیسم در شوروی و در عمل

مضمن فصول زیرین:

روزیونیسم چیست؟

مختصری از تاریخ.

شرایط بروز روزیونیسم.

روزیونیسم کهن و روزیونیسم معاصر.

اشکال بروز روزیونیسم معاصر.

جهات عمده فعالیت روزیونیسم.

روزیونیسم و ایران.

حزب توده ایران و روزیونیسم.

لزوم مبارزه با روزیونیسم.

بها: ۴۰ ریال

۶- نامه به رفقا

نامه‌های است از رفقا فروتن و قاسمی، مضمن مطالب زیرین:

مسئله انتقاد از خود.

ما و روزیونیسم معاصر.

"سازمان انقلابی" و ما.

دو دوره در تاریخ حزب توده ایران.

سحنی درباره رهبری طبقه کارگر.

بها: ۴۰ ریال

۷- شرح حال مختصر استالین

از نشریات استینوی مارکس - انگلس - لنین در مسکو که در

سال ۱۹۴۹ بفراسی ترجمه شده است.

بها: ۴۰ ریال

۸- سه رساله از استالین

مستقل بر آثار زیرین:

مانترالیسم دیالکتیک و مانترالیسم تاریخی.

در باره اصول لنینیسم:

ریشه‌های تاریخی لنینیسم.

استوب.

نشوری.

دیکتاتوری پرولتاریا.

مسئله دهقانان.

مسئله ملی.

استراتژی و تاکتیک.

حزب.

سیک کار.

در باره مسائل لنینیسم:

تعریف لنینیسم.

عمده در لنینیسم.

مسئله انقلاب "دائم".

انقلاب پرلتری و دیکتاتوری پرولتاریا.

حزب وسطی، کارکرد سیستم دیکتاتوری پرولتاریا.

مسئله پیروزی سوسیالیسم در کشور واحد.

سازره در راه پیروزی ساختمان سوسیالیسم.

بها: ۶۰ ریال

۹- دو سال توفان

حاوی عمده ترین مقالات دو سال روزنامه توفان (۲۳ شماره اوت ۱۹۶۷ - ژوئیه ۱۹۶۹) بصورت مجموعه‌ای بطور جداگانه.

بها: ۶۰ ریال

۱۰- سه رساله از لنین

مستقل بر آثار زیرین:

در باره دولت.

تزهائی در باره وظائف اساسی انترناسیونال کمونیستی.

۱- ماهیت دیکتاتوری پرولتاریا و حکومت شوروی.

۲- تدارک شعوری و عمومی دیکتاتوری پرولتاریا چه باید باشد؟

۳- اصلاح خط مشی و نیز تاحدی، اصلاح ترکیب احزابی که

به انترناسیونال کمونیستی پیوسته و یا حواستار پیوستن اند.

در باره وظائف انترناسیونال سوم.

بها: ۳۰ ریال

سازمان بارکستی نشریاتی توفان